

## اشاره

انسان به هنگام اندیشه در خصوص سرنوشت خویش و دیگران و جامعه انسانی و آینده، به این موضوع پی برده که بین جمعیت و سعادت جامعه، جمعیت و بهروزی فردی و جمعی و همچنین جمعیت و زندگی پر بارتر و موفق تر روابط مستقیم و معناداری وجود دارد. امروزه تعداد جمعیت و ویژگی‌های مرتب با آن، پایه و زیربنای هرگونه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری است. در واقع جمعیت از جمله مؤلفه‌های مهم اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی جامعه اثر می‌گذارد و در عین حال از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر می‌گیرد.

جمعیت هر کشوری در اثر باروری و زاد و ولد و همچنین مهاجرت‌ها تغییر می‌یابد. تعداد مولید در هر سال به میزان باروری و تعداد زنان در سنین باروری (ساخت سنی جمعیت) بستگی دارد. میزان باروری تابع وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش میزان باروری، می‌توان به افزایش میزان باسوادی و سطح تحصیلات زنان، بالارفتن سن ازدواج و کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و همچنین افزایش هزینه آموزش، تربیت و بزرگ کردن کودکان اشاره کرد. میزان مرگ و میر نیز در کاهش جمعیت مؤثر است. علاوه بر این، ساختار سنی جمعیت یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مرگ و میر است.

هر چه ساختار سنی یک کشور جوان‌تر باشد، میزان مرگ و میر پایین‌تر خواهد بود. بهبود شرایط بهداشتی و پیشرفت‌های علم پزشکی، بالارفتن سطح آگاهی و سواد مردم، میزان مرگ و میر - به خصوص مرگ و میر کودکان - را نیز کاهش می‌دهد. دو عامل مؤثر در تغییرات جمعیت، یعنی ولادت و فوت، هر کدام به عوامل بیولوژیک بستگی دارند، اما عامل مهاجرت از عوامل بیولوژیک متأثر نیست و شتاب تغییرات آن تحت تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بیش از دو عامل دیگر است. میزان خالص مهاجرت، تابعی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور مبدأ و کشورهای همسایه آن و همچنین قوانین مربوط به کشورهای مهاجرپذیر است.

# تحولات جمعیتی و رادیو

عارفه سیاوش شاه‌عنایتی  
کارشناس انسان‌شناسی



به‌طورکلی اکثر ادیان  
(خاصه ادیان الهی) طرفدار  
افزایش نفوس بوده، از دیاد  
نسل و تکثیر اولاد را  
تشویق و جلوگیری از آن را  
غالباً نهی می‌کردند. اعتقاد  
بی‌حد و حصر بودن مواهب  
و نعم الهی و احترام به  
مخلوق مبدأ و منشأ این نظر  
به شمار می‌رود.

از آنجا که در عصر ارتباطات زندگی می‌کنیم، تأثیر رسانه‌های جمعی بر افکار عمومی واقعی‌تری غیرقابل انکار است و در بین این رسانه‌ها تأثیر رادیو بر افکار عمومی وسیع‌تر و عمیق‌تر است. با توجه به تأثیرگذاری وسیع و عمیق رادیو به عنوان در دسترس‌ترین رسانه، نقش رادیو در ایجاد بستر مناسب برای تحولات جمعیتی که زمینه‌ساز توسعه پایدار است، غیرقابل انکار می‌باشد. از این رو این مقاله در پی بررسی نقش رادیو در تحولات جمعیتی ایران است.

#### دیباچه

اگر نگاهی به زمینه‌های تاریخی تحولات جمعیت ایران داشته باشیم، متوجه می‌شویم که نرخ شدید رشد جمعیت کشور که در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی شروع شده بود، در سال‌های اخیر تا حد زیادی کاهش یافته است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، جمعیت ایران برابر ۷۰/۵ میلیون نفر بوده، که ۳۵/۹ میلیون نفر آن را مردان و ۳۴/۶ میلیون نفر را زنان تشکیل می‌دهند که در مقایسه با جمعیت ۶۰ میلیون نفری سال ۱۳۷۵ مبین خالص افزایشی در حدود ۱۴/۸ درصد یا ۱۰/۴ میلیون نفر در این فاصله زمانی است. درصد رشد سالانه جمعیت کشور طی

سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ در کل کشور و به تفکیک نقاط شهری و روستایی به ترتیب برابر ۱/۶۱، ۲/۷۴ و ۰/۴- درصد بوده که مقایسه آن با رشدهای متناظر ۳/۹، ۵/۵ و ۲/۳ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ و ۱/۹۶، ۳/۲ و ۰/۳ درصد در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ حاکی از تحولی اساسی و افت اساسی میزان‌های رشد جمعیت است.

روند رشد جمعیت ایران از گذشته تا به حال نشان می‌دهد که متوسط میزان رشد سالانه جمعیت در دهه ۱۳۴۵-۱۳۳۵ برابر با ۳/۱ درصد در سال بوده است، لیکن در دهه پس از آن در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۵ با کاهش روبه‌رو بوده و به ۲/۷۱ درصد در سال رسیده است. جمعیت کشور در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ از رشد بالایی برخوردار بوده و به ۳/۹ درصد در سال افزایش یافته است. در دهه دوم انقلاب، سیاست تعدیل جمعیت با کاهش میزان مولید و کنترل آن حاصل شد. در این دهه، میزان رشد جمعیت از ۳/۹ درصد دهه قبل به ۱/۹۶ درصد در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ کاهش یافته و در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ به ۱/۶۱ درصد رسیده است.

بررسی آمار و ارقام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و آمارگیری‌های جاری جمعیت نشان می‌دهد که ایران در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ با افزایش شدید

باروری روبه‌رو بوده است، به گونه‌ای که در اثر افزایش تعداد مولید، رشد طبیعی سالانه جمعیت کشور از ۲/۷ درصد در دهه ۱۳۵۵-۱۳۴۵ به ۳/۴ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ رسیده است.

#### نظر اسلام درباره اتخاذ سیاست‌های جمعیتی

در ابتدا بهتر است رهنمودهای دین مبین اسلام را در این زمینه جویا شویم. همه ما به خوبی می‌دانیم که مسلمانان از افراط و تفریط نهی شده‌اند. خداوند در قرآن در سوره مبارکه بقره آیه ۱۴۳ می‌فرماید: «و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودید مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد بازشناسیم هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت‌گرا بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند، زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است. نیز در سوره مبارکه شعراء می‌فرماید: از فرمان افراط‌گرا پیروی نکنید. لذا ما در هیچ زمینه بخصوص مسئله مهم جمعیت نباید دچار افراط و تفریط شویم.

در قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان دو دسته آیات در زمینه ازدواج و زاد و

ولد وجود دارد: دسته اول، آیاتی هستند که به طور ضمنی در آنها بر فاصله‌گذاری و تنظیم خانواده و توجه به کیفیت فرزندان و تأمین نیازهای آنان تأکید شده است. برای مثال، می‌توان به آیه ۲۳۳ از سوره مبارکه بقره اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: «مادران دو سال تمام فرزندان خود را شیر بدهند و این برای کسی است که بخواهد شیردادن را تمام کند. خوراک و پوشاک زنان شیرده به وجه پسندیده بر عهده مردی است که بچه برایش به دنیا آمده است. بر هیچ‌کس تکلیفی بیش از توانایی او نمی‌شود، نه هیچ مادری به‌خاطر فرزندش زیان ببیند و نه هیچ پدری به‌خاطر فرزندش.»

در سوره مبارکه احقاف آیه ۱۵ آمده: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و شیر بازگرفتنش سی ماه است، تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد.»

دسته دوم آیاتی است که موافق تشکیل خانواده و افزایش مولید است. برای مثال آنجا که می‌فرمایند: زنان و مردان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر فقیر باشند خداوند از فضل خود بی‌نیازشان خواهد گردانید. در جای دیگر در قرآن کریم آمده است: «هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید که ما آنان و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها خطای بزرگی است.»

پس براساس آنچه گفته شد، می‌توان گفت دیدگاه اسلام هم به کیفیت توجه نموده و هم به کمیت آن. در یک جامعه اسلامی این دو باید به توازن برسند که شایسته یک جامعه مسلمان است. بدین لحاظ ما معتقد هستیم که دین مبین اسلام با «جمعیت مطلوب» موافق است. این مطلوبیت جمعیتی هم در بعد کیفی است و هم در بعد کمی.

### رشد و مراحل انتقالی جمعیت

حاصل تفاضل تعداد مولید از تعداد مرگ‌ومیر در هر سال بیانگر رشد طبیعی

سالانه جمعیت است که نسبت این رقم به کل جمعیت میانه هر سال درصد رشد سالانه جمعیت را نشان می‌دهد.

در زمان‌های گذشته و از بدو تاریخ، میزان مولید و مرگ‌ومیر بشر هر دو در سطح حداکثر طبیعی بود (مولید حدود ۴۰ و مرگ‌ومیر حدود ۳۵ در هر هزار نفر) و انسان‌ها زیاد به دنیا می‌آمدند و خیلی سریع و زیاد هم می‌مردند. گاهی تعداد مرگ‌ها آن قدر زیاد بوده که بر تعداد مولید فزونی می‌گرفت. نتیجه آنکه جمعیت کره زمین با سرعت بسیار اندک افزایش می‌یافت. رشد طبیعی جمعیت در مرحله اول انتقال جمعیت در سطح بسیار نازل بوده و جمعیت به‌کندی افزایش می‌یافت، به‌طوری که طی ۲۰۰۰ سال (از قبل از میلاد مسیح تا سال ۱۶۵۰) جمعیت جهان از ۲۵۰ میلیون به ۵۰۰ میلیون نفر رسید. از اواسط قرن هفدهم کشفیات و پیشرفت‌های علوم وابسته به پزشکی مانند باکتری‌شناسی، داروسازی و جراحی در کشورهای صنعتی امروز باعث کاهش تدریجی میزان مرگ‌ومیر گردید. البته قبل از آنکه این تحولات رخ دهند، بهبود شرایط بهداشتی و توسعه آن در سطح عمومی جامعه اروپا، نقش مهم و آشکار در کاهش مرگ‌ومیر داشته است. منظور از بهبود، تأمین آب آشامیدنی سالم، دفع فاضلاب‌ها و زباله‌ها، مصرف فراگیر شوینده‌ها و مواد ضدعفونی‌کننده و از همه مهم‌تر ارتقای سطح آگاهی عمومی و درک ضرورت حفظ سلامتی و بهداشت فردی است که عاملی مؤثر و قوی در کاهش مرگ‌ومیرها بوده است.

کاهش تدریجی مرگ‌ومیر عمومی و عدم تغییر در میزان‌های مولید و حتی گاهی به دلیل کاهش مرگ‌ومیرهای جنینی و نیز مرگ‌ومیرهای مادران در اثر زایمان، میزان‌های مولید افزایش یافته و در نتیجه رشد طبیعی جمعیت با سیر صعودی همراه بوده است. این دوران مرحله دوم انتقال جمعیت نامیده می‌شود.

در اواسط قرن نوزدهم پس از اشاعه نظرات مالتوس و سایر اقتصاددانان بدبین، برنامه‌های کنترل مولید انتشار یافته و به تدریج میزان‌های مولید کاهش یافت و به دنبال کاهش میزان‌های مولید، رشد طبیعی جمعیت نیز سیر کاهنده پیدا کرد. در نتیجه مرحله سوم انتقال جمعیتی از اواسط قرن نوزدهم آغاز شده است.

بالاخره با کاهش تدریجی مولید و مرگ‌ومیر در کشورهای صنعتی امروز میزان هر دوی آنها به سطح حداقل ممکن رسید (میزان مولید در حدود ۱۰ و میزان مرگ‌ومیر حدود ۵ در هر هزار نفر) و رشد طبیعی جمعیت مجدداً به سطح نازلی (در حد مرحله اول انتقال جمعیت) تنزل کرد و مرحله چهارم انتقال جمعیتی از اوایل قرن بیستم به بعد در بسیاری از کشورهای صنعتی، مورد مشاهده قرار گرفت.

سیر تحول از مرحله اول انتقال جمعیتی تا مرحله چهارم را مراحل انتقالی جمعیت می‌نامند. یعنی رشد جمعیت از یک رقم ناچیز پس از طی نمودن دوره یا دوره‌هایی به همان رقم ناچیز رسیده است. در مرحله اول انتقالی جمعیت میزان‌های مولید و مرگ‌ومیر هر دو در سطح حداکثر طبیعی بوده، ولی در مرحله چهارم هر دو در



رسانه‌ها در دنیای امروز، تنها نقش اطلاع‌رسانی ندارند، بلکه بخشی از زندگی انسانها شده‌اند و دیگر کسی را نمی‌توان یافت که به‌گونه‌ای با یک نوع رسانه ارتباطی نداشته باشد.

حد متناسبی از جمعیت رسید که شرایط اقتصادی و اجتماعی، بالاترین رفاه ممکن را برای انسان‌ها فراهم کند.

#### الف) طرفداران افزایش جمعیت

به اعتقاد پیروان این گروه امکانات طبیعت و کره زمین برای تغذیه و تأمین وسایل زندگی افراد بشر نامحدود و یا لاقط بسیار وسیع است. بنابراین نباید از ازدیاد نفوس آدمی بیم داشت؛ بلکه برعکس، باید با توجه به مزایا و محاسنی که این امر می‌تواند به دنبال داشته باشد از آن استقبال کرد.

به‌طور کلی اکثر ادیان (خاصه ادیان الهی) طرفدار افزایش نفوس بوده، ازدیاد نسل و تکثیر اولاد را تشویق و جلوگیری از آن را غالباً نهی می‌کردند. اعتقاد بی‌حد و حصر بودن مواهب و نعم الهی و احترام به مخلوق مبدأ و منشأ این نظر به شمار می‌رود.

#### ب) مخالفان افزایش جمعیت

در بین مخالفان افزایش جمعیت، چندین تمایل فکری مشخص به چشم می‌خورد: گروهی معتقد به وجود تضاد بین کمیت و کیفیت هستند و به اعتقاد آنها در طول تاریخ هر زمان که کمیت بر کیفیت غلبه کرده، پیشرفت مادی و اجتماعی جامعه متوقف شده است. دسته‌ای نیز به تجربه تاریخ متوسل شده‌اند. اینان برای اثبات نظر خود مبنی بر مطلوب بودن جمعیت کم، جوامع کوچک و خوشبختی نظیر آتن و جمهوری‌های مستقل ایتالیا را (در قرون وسطی) که با وجود کمی جمعیت دوره‌های طلایی و درخشانی داشته‌اند مثال می‌آورند. عده‌ای نیز کوشیده‌اند ثابت

سطح حداقل ممکن هستند. در مرحله اول و چهارم رشد طبیعی جمعیت به یک اندازه و ناچیز هستند و زمان دو برابر شدن جمعیت نیز بسیار طولانی و در یک سطح است، با این تفاوت که در مرحله اول به دلیل مرگومیر بالای جمعیت، امید زندگی یا عمر متوسط کوتاه بوده و جمعیت جوان است، ولی در مرحله چهارم با کاهش مرگومیر و رسیدن آن به سطح حداقل ممکن، امید زندگی یا عمر متوسط در سطح حداکثر (بالای ۸۰ سال) قرار دارد و جمعیت سالخورده است.

اکثر کشورهای صنعتی مراحل چهارگانه انتقالی جمعیت را طی کرده و حتی با سالخورده شدن جمعیت و افزایش مرگومیر مرحله جدیدی با رشد منفی جمعیت را تجربه می‌نمایند، ولی بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران از نظر مراحل انتقالی جمعیت در مراحل دوم و یا سوم قرار دارند. در ضمن آغاز کاهش مرگومیر در این کشورها پس از دو قرن تأخیر با انتقال امکانات بهداشتی درمانی در اواسط قرن نوزدهم و یا اوایل قرن بیستم همراه بوده است.

#### عقاید و نظرات جمعیتی

دانشمندان گاهی افزایش جمعیت را محرک اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌کردند و گاهی نیز کیفیت را بر کمیت برتر دانسته، از افزایش جمعیت گریزان بودند. به هر حال همیشه هدف نهایی و اصلی، داشتن جامعه‌ای مرفه و متعادل بوده است و دستیابی به این رفاه را گاه از طریق کاهش جمعیت جست‌وجو می‌کردند و بالاخره معتقد شدند که باید به

استفاده از رادیو در امر آموزش، در هر جامعه‌ای به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، مستلزم پژوهش‌های بنیادی و اجرای برنامه‌های خاصی است؛ زیرا امکانات و نوآوری‌های فناورانه تنها هنگامی می‌تواند در نظام آموزشی مؤثر واقع شود که پاسخگوی نیازهای واقعی آن جامعه باشد.

کنند که افزایش نفوس سرانجام به فقر و تیره‌روزی انسان‌ها و انهدام جامعه بشری منجر خواهد شد.

#### ج) طرفداران جمعیت ثابت

از مشخصات بارز طرفداران جمعیت ثابت، محافظه‌کاری مفرط آنهاست. اینان در واقع به هیچ نوع تحول و حرکت - چه در جهت افزایش جمعیت و چه در جهت کاهش آن - معتقد نیستند. به تعبیر یکی از مفسران، اینها از اندیشه سقراط مبنی بر «اعتدال» پیروی می‌کنند. به اعتقاد ایشان وقتی تعداد نفوس یک جامعه به «حد کمال» خود رسید، دیگر هیچ‌گونه دلیل و موجبی برای تغییرات پیوسته آن وجود ندارد.

به نظر طرفداران جمعیت ثابت، ثابت جمعیت از جهات مختلف و مخصوصاً از نظر اقتصادی دارای مزایای زیادی است؛ زیرا وقتی تعداد نفوس یک جامعه افزایش نیابد، طبعاً اثرات و نتایج ناگوار در قانون بازده نزولی ظاهر نخواهد شد، و به هر یک از افراد جامعه سهم بیشتری از زمین و سرمایه خواهد رسید. به اعتقاد آنها، یک جامعه از امکانات اقتصادی و ثروت خود به چهار طریق می‌تواند استفاده کند: اول آنکه به افزایش جمعیت بپردازد؛ دوم آنکه میزان آسایش و رفاه افراد خود را زیاد کند؛ سوم آنکه میزان مصرف را افزایش دهد و چهارم آنکه به پس‌انداز بیشتر بپردازد. بنابراین اگر جامعه‌ای اندیشه افزایش جمعیت را به کناری بنهد و از آن صرف‌نظر کند، می‌تواند همه امکانات خود را به تأمین رفاه و مصرف بیشتر برای افراد جامعه و یا به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیشتر اختصاص دهد.

#### د) طرفداران جمعیت متناسب

کوشش برای یافتن جمعیتی که با امکانات طبیعی و اقتصادی یک جامعه، متناسب و هماهنگ باشد، سابقه‌ای کهن دارد. احتمالاً این اندیشه برای نخستین بار در زمان «کنفوسیوس» مطرح شد. فلاسفه چینی (که جامعه کشاورزی زمان خود را مدنظر داشتند) می‌کوشیدند مطلوب‌ترین میزان تراکم جمعیتی را که بتواند بیشترین محصول فردی را ایجاد نماید تعیین کنند. برای حصول این منظور، به دولت توصیه می‌کردند که با کوچ‌دادن نفوس نقاط پرجمعیت به مناطق کم جمعیت، تناسب لازم را برقرار کند.

افلاطون و ارسطو نیز به هنگام توصیف جوامع ایدئالی خود به موضوع «حد متناسب جمعیت» توجه کرده‌اند. آنها بر این باور بودند که جمعیت یک «دولت‌شهر» باید نه چندان اندک باشد که به استقلال اقتصادی و قدرت دفاعی آن صدمه بزند و نه چندان زیاد که اجرای اصول یک حکومت دموکراتیک را با دشواری روبه‌رو کند.

«حد متناسب جمعیت» نه تنها برحسب زمان و مکان تغییر می‌کند، بلکه برحسب موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و تکنیکی نیز تغییرپذیر است. به‌طور خلاصه حد متناسب جمعیت مفهومی کاملاً تغییرپذیر دارد.

#### تحولات ساختار سنی

با کاهش میزان مولید و به دنبال آن کاهش مرگ‌ومیر نوعی تحول اساسی در انتقال جمعیتی ایجاد می‌شود که مشخصه آن تحول در ساختار سنی جمعیت است که از آن به‌عنوان «پنجره جمعیتی» یاد می‌شود. رز (۲۰۰۴) معتقد است پنجره جمعیت زمانی رخ می‌دهد که در



اثر کاهش میزان‌های باروری، توزیع و ترکیب سنی جمعیت تغییر کند، به این معنا که سرمایه‌گذاری‌های کمتری برای برآورده‌کردن نیازهای گروه‌های سنی جوان لازم است و منابع سرمایه‌گذاری برای توسعه اقتصادی و رفاه خانوارها آزاد می‌شود. به عبارت دیگر کاهش میزان‌های باروری باعث کاهش جمعیت در گروه‌های سنی کودک و نوجوان می‌شود و در عوض گروه‌های سنی فعال و در سن کار افزایش می‌یابد. این مسئله باعث کاهش بار و وابستگی خانواده‌ها و رشد اقتصادی سریع‌تر می‌شود.

باید توجه داشته باشیم که این پنجره جمعیتی از لحاظ زمانی موقتی است. با گذشت زمان و با ورود گروه‌های بزرگسال جمعیتی به دوره‌های سالمندی، ساختار سنی دستخوش تغییرات اساسی خواهد شد و قابلیت تولید آنها کاهش خواهد یافت. در این مرحله مجدداً نسبت‌های وابستگی افزایش خواهد یافت و سطوح انتقالات بین‌نسلی تغییر خواهد کرد. در این شرایط مسئله اساسی، تأمین نیازها و حمایت از سالمندان خواهد شد.

در سال ۱۳۸۵، ۲۵/۰۸ درصد از کل جمعیت ایران زیر ۱۵ سال، ۷۰ درصد بین ۱۵-۶۴ سال و ۵/۱۹ درصد در گروه سنی سالخورده قرار داشته‌اند. از این رو، افزایش جمعیت در سنین فعالیت در ایران موجب آغاز فاز پنجره جمعیتی شده است و بر اساس برآوردهای ساختار سنی، انتظار می‌رود که تا ۵۰ سال آینده این وضعیت ادامه داشته باشد.

### ساخت جنسی جمعیت

معمولاً تغییر ترکیب ساخت جنسی یک جامعه مربوط به دخالت عواملی چون

باروری، مرگ و میر و مهاجرت است. در ایران نسبت جنسی حالت طبیعی و متعارف دارد؛ چون با وجود جنگ تحمیلی و خروج شماری از پناهندگان افغانی از ایران نسبت آن به کمتر از ۱۰۳/۵ درصد (در سال ۱۳۸۵) رسیده است. هر چند در مقایسه با ارقام متناظر در سال ۱۳۷۵ (به ترتیب ۱۰۳/۸، ۱۰۵/۷ و ۱۰۱/۶ درصد) تا حدودی تقلیل یافته است.

معمولاً همراه با توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه و کاهش میزان مرگومیر نسبت جنسی جمعیت نیز کاهش می‌یابد. در ایران نیز نسبت جنسی جمعیت طی سال‌های سرشماری (۸۵-۱۳۴۵) به تدریج کاهش یافته که عامل اصلی آن کاهش مرگومیر عمومی و مرگومیر اطفال است.

مشخصه‌های باروری و زاد و ولد جمعیت تحولات باروری در ایران در طول دوره زمانی ۷۹-۱۳۵۱ سه فاز متفاوت را پشت سر گذاشته است. میزان باروری کل (TFR) از حدود ۷/۷ بچه در سال ۱۳۴۵ به ۶/۵ بچه در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت، سپس بعد از انقلاب اسلامی تحت تأثیر رویکرد و شرایط موافق افزایش مولید دوباره باروری تا پایان دهه ۱۳۵۰ افزایش و به ۷/۰ بچه رسید. با این حال، این رژیم باروری بالا کوتاه‌مدت بود و باروری در میانه دهه ۱۳۶۰ شروع به کاهش نمود، به طوری که باروری کل از ۷ بچه سال ۱۳۶۰ به حدود ۵/۵ بچه در سال ۱۳۶۷ رسید. چنین کاهشی قبل از اتخاذ و اجرای سیاست جمعیتی دولت، یعنی برنامه جدید تنظیم خانواده، بوده است. بعد از اجرای این برنامه، کاهش باروری با سرعت بیشتری دنبال شد و از ۵/۵ بچه سال

۱۳۶۷ به حدود ۲/۸ بچه در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت و سپس در سال ۱۳۷۹ به سطح جایگزینی رسید.

یکی از عوامل اصلی کاهش میزان باروری در ایران، افزایش سطح سواد و تحصیلات زنان است که یکی از شاخص‌های توسعه به حساب می‌آید. بنابراین می‌توان گفت که افزایش سطح توسعه انسانی در کشور باعث کاهش باروری شده است.

با توجه به روند کاهشی باروری در ایران، پرسشی که ممکن است مطرح شود، ادامه روند کاهش باروری و رسیدن به سطح باروری خیلی پائین در کشور (پایین‌تر از ۱/۵ فرزند) است. با وجود کاهش باروری در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد رسیدن به باروری سطح خیلی پائین در آینده نزدیک برای کشور ممکن نیست و انتظار می‌رود که تا مدتی نسبتاً طولانی میزان باروری کل در سطح حدود ۱/۶ تا ۱/۹ فرزند باقی بماند و کاهش بیشتر آن به شرایط خاصی بستگی دارد. در حال حاضر کشور ژاپن دارای باروری کل ۱/۴ و کشور اسپانیا دارای باروری کل بین ۱/۷ و ۱/۸ در نوسان است. این در حالی است که در این کشورها اولاً، الگوی ازدواج دستخوش تحولات اساسی شده و درصد قابل توجهی از زوجین خارج از حیطه ازدواج با هم رابطه داشته و به صورت همزیستی زندگی می‌کنند. عمومیت ازدواج در کشورهای فوق نیز پایین‌تر از کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه ایران است؛ ثانیاً، سن ازدواج و فرزندآوری در کشورهای فوق افزایش یافته است و ثالثاً، میزان اشتغال زنان در این کشورها بالاست و درصد زیادی از زنان به کارهای اقتصادی خارج از منزل اشتغال دارند و همین امر بر الگوی ازدواج و فرزندآوری آنها تأثیر گذاشته است. بروز چنین تحولاتی در ایران در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد و بنابراین رسیدن به باروری خیلی پائین (۱/۵) با واقعیات اجتماعی و فرهنگی موجود منطبق نیست.

### مشخصه‌های مرگ و میر جمعیت

کشور ایران طی چند دهه اخیر در حال گذار و انتقال جمعیتی بوده است. اولین

مرحله این انتقال، گذار مرگ و میر است که از اوایل قرن چهاردهم شمسی آغاز شده است. در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، گذار مرگ و میر در ایران بسیار دیرتر از کشورهای توسعه یافته آغاز شد، ولی بسیار سریع و تند به پیش رفت؛ به این معنی که آهنگ کاهش در سطح مرگ و میر ایران به مراتب تندتر از آهنگ کاهش در سطح مرگ و میر کشورهای توسعه یافته بوده است. به طوری که میزان مرگ و میر اطفال طی یک دوره ۸۰ ساله از حدود ۳۰۰ در هزار در سال ۱۳۰۰ خورشیدی به ۲۷ در هزار در سال ۱۳۸۵ تقلیل یافته است. با وجود این کاهش چشمگیر، یکی از چالش‌های جمعیتی ایران در مقایسه با سایر کشورها، حتی کشورهای منطقه خاورمیانه مثل بحرین، قطر و کویت، بالا بودن سطح مرگ و میر اطفال است. کم توجهی به مسئله توزیع متعادل و متوازن امکانات و منابع، موجب تفاوت‌های پایدار در دستیابی به درآمد، تغذیه، تحصیلات، مسکن، آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و در نتیجه نابرابری در کاهش مرگ و میر اطفال در درون مناطق و همچنین بین مناطق مختلف کشور شده است.

کاهش مرگ و میر در کشورهای توسعه یافته پس از انقلاب پزشکی و انقلاب صنعتی و تقویت زیربنای اقتصادی - اجتماعی و پاکسازی محیط آغاز گردید، در صورتی که در کشورهای در حال توسعه از جمله در کشور ما با ورود امکانات پزشکی بدون تغییرات اساسی در زیربنای اقتصادی - اجتماعی میزان مرگ و میر عمومی و مرگ و میر اطفال به صورت چشمگیری کاهش یافت.

#### مهاجرت

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد و یکی از عوامل مهم تغییردهنده تعداد و ترکیب سنی و جنسی جمعیت است. توضیح اینکه منظور از مهاجرت در این بررسی دو گروه عمده مهاجران داخلی و بین‌المللی (خارجی) هستند. در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ایران، تنها آمار مهاجرت به داخل کشور ارائه شده که به دلایلی آمار و ارقام قابل قبولی برای استفاده در پیش‌بینی‌های جمعیتی نیستند. اطلاعات ارائه شده در باره حجم و ویژگی‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز به طور عمده موردی و موضوعی و اغلب مبتنی بر ملاحظات سیاسی بوده است تا جمعیتی و اقتصادی.

**رادیو رسانه‌ای مناسب برای آموزش**  
رسانه‌ها در دنیای امروز، تنها نقش اطلاع‌رسانی ندارند، بلکه بخشی از زندگی انسانها شده‌اند و دیگر کسی را نمی‌توان یافت که به گونه‌ای با یک نوع رسانه ارتباطی نداشته باشد. بعد از شکل‌گیری مطبوعات، دومین رسانه متولد شده در دنیای مدرن، رادیوست.

**رادیو سریع‌ترین وسیله انتقال پیام است که می‌تواند محدودیت‌های زمانی و مکانی را به کمترین اندازه برساند و نقش مهمی در فرهنگ‌سازی مردم ایفا کند. رادیو از لحاظ نفوذ روانی، مؤثرترین وسیله ارتباطی تلقی می‌شود و با فراهم‌آوری بستر فرهنگی - اجتماعی، همبستگی، یکپارچگی و انسجام زندگی اجتماعی را سبب می‌گردد.**

رادیو سریع‌ترین وسیله انتقال پیام است که می‌تواند محدودیت‌های زمانی و مکانی را به کمترین اندازه برساند و نقش مهمی در فرهنگ‌سازی مردم ایفا کند. رادیو از لحاظ نفوذ روانی، مؤثرترین وسیله ارتباطی تلقی می‌شود و با فراهم‌آوری بستر فرهنگی - اجتماعی، همبستگی، یکپارچگی و انسجام زندگی اجتماعی را سبب می‌گردد. رادیو از این توانایی برخوردار است که با برانگیختن احساس اعتقاد و ارزش جامعه در جهت اتفاق نظر، تشریک مساعی و هم‌رأیی نسبت به اهداف اجتماعی، به پیدایی، استواری یا دگرگونی فرهنگ در جامعه کمک کند. این رسانه با بالاترین سطح دسترسی و بیشترین مقدار نفوذ، همچنان فراگیرترین رسانه دنیاست. رادیو به پرورش اخلاقی، هویت‌بخشی، رشد شخصیت، آموزش، قواعد و اصول بنیادین مخاطبان خود کمک شایان توجهی می‌کند. این وسیله ارتباط جمعی، با انتقال آموزش‌های تخصصی، مهارت‌ها و دانش کارشناسی، در گزینش‌ها و تخصیص منابع انسانی جامعه به مقامات و مسئولان و مشاغل اجتماعی، سهم مهمی برعهده دارد و از این طریق بر ایجاد نقش‌های گوناگون اجتماعی و برقراری تحرک اجتماعی اثر می‌گذارد. همچنین قادر است با شناسایی انتقال و درونی کردن ارزش‌های جامعه طی فراگرد آموزش و پرورش رسانه‌ای، نقش آموزشی خود را اعمال کند.

بررسی‌ها و تحقیقاتی که درباره دلایل استفاده از رادیو وجود دارد، حاکی از آن است که بسیاری از مخاطبان رادیو، براساس انواع نیازهایی که برایشان اولویت می‌یابد، از رادیو استفاده می‌کنند:

- سرگرمی و تفریح؛
- کسب اطلاع و یادگیری؛

اهمیت فراوان دارد. رادیو یکی از بهترین وسایل آموزشی به‌شمار می‌رود که در برنامه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و ارتقای سطح آگاهی، میزان نگرش و همچنین رفتار افراد جامعه، نقش بسیاری ایفا می‌کند. این وسیله به دلیل برد وسیع، یکی از بهترین وسایل آموزشی و فرهنگی است. کشورهای گوناگون، براساس نیازهای آموزشی خود می‌توانند افزون بر آموزش مواد درسی، استفاده‌های ثمربخشی از رادیو در زمینه آموزش غیررسمی به عمل آورند. آموزش غیررسمی از طریق امواج رادیو، می‌تواند در تمام ساعات شبانه‌روز شیوه‌های صحیح، بهداشت، کشاورزی، حمل و نقل، ترافیک و... را دربرگیرد و در بهبود وضع جامعه مؤثر افتد.

کاربرد رادیو در امر آموزش کشورهای جهان، شدیداً تابع هدف‌های توسعه و رشد آن کشورهاست و از این‌رو، تفاوت‌های چشمگیری که در کاربرد و محتوای آموزشی رادیو در جوامع گوناگون یافت می‌شود، کاملاً منطقی به نظر می‌آید.

رادیو به پرورش اخلاقی، هویت‌بخشی، رشد شخصیت، آموزش، قواعد و اصول بنیادین مخاطبان خود کمک شایان توجهی می‌کند. این وسیله ارتباط جمعی، با انتقال آموزش‌های تخصصی، مهارت‌ها و دانش کارشناسی، در گزینش‌ها و تخصیص منابع انسانی جامعه به مقامات و مسئولان و مشاغل اجتماعی، سهم مهمی برعهده دارد و از این طریق بر ایجاد نقش‌های گوناگون اجتماعی و برقراری تحرک اجتماعی اثر می‌گذارد.

- گذران وقت و عادت؛
- استفاده در جامعه؛
- تأیید یا تقویت هویت شخصی؛
- ارتقای روحیه معنوی و تقویت و تأیید اخلاقیات.
- در یک بررسی درباره علل گوش‌دادن به رادیو در استرالیا، پاسخگویان به هشت دلیل به این شرح اشاره کرده‌اند:
- دربرگیرنده همه گروه‌ها و افراد است.
- مانند یک دوست، امکان مشارکت را برای همه شنوندگان فراهم می‌کند.
- اطلاعات و اخبارش روزآمد است.
- تنوع زیادی دارد؛ به همین دلیل، قدرت انتخاب خوبی به مخاطب می‌دهد.
- به زندگی واقعی مردم نزدیک است.
- رسانه‌ای متعادل است.
- مخاطب می‌تواند به سهولت از آن استفاده کند.
- چون به راحتی قابل حمل است، در هر جا می‌توان صدای آن را شنید.
- با توجه به مطالب ارائه‌شده می‌توان گفت، توجه به رادیو در آموزش مردم





کاربرد رادیو در امر آموزش  
کشورهای جهان، شدیداً  
تابع هدف‌های توسعه  
و رشد آن کشورهاست  
و از این‌رو، تفاوت‌های  
چشمگیری که در کاربرد  
و محتوای آموزشی رادیو  
در جوامع گوناگون یافت  
می‌شود، کاملاً منطقی به  
نظر می‌آید.

سواد خواندن و نوشتن ندارد و در نتیجه می‌تواند برای بخش وسیعی از اعضای جامعه در حال توسعه، نقش یک آموزشگاه مؤثر را ایفا کند. این رسانه در حوزه زندگی خصوصی پیام‌گیران قرار دارد و بخش اعظم لحظه‌های زندگی افراد با آنهاست. به علاوه چون این رسانه به صورت شفاهی با پیام‌گیران ارتباط برقرار می‌کند، تأثیرش از لحاظ روانی عمیق است. همچنین استفاده از این رسانه ارزان‌تر و میسرتر است.

**تأثیر رادیو بر تحولات جمعیتی**

پیشتر گفته شد که رادیو می‌تواند تأثیری بسزا در تمامی مؤلفه‌های تحولات جمعیتی داشته باشد.

**مهاجرت:** همانطور که می‌دانیم، در اثر مهاجرت ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه طبیعی خود را از دست می‌دهد. رادیو با افزایش اطلاعات مخاطبان در باره پیامدهای مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر، می‌تواند رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستائیان به شهرها را که پدیدآورنده مسئله حاشیه‌نشینی و مسکن نامناسب است کنترل کند. با توجه به اینکه حاشیه‌نشینی باعث ناامنی در جامعه می‌شود، رادیو می‌تواند نقش مؤثری در کنترل این پدیده داشته باشد.

بنابراین توزیع نابرابر جمعیت، مهاجرت گسترده و شهرنشینی شتابان از جمله چالش‌های جمعیتی فراروی محیط زیست و توسعه پایدار در ایران محسوب می‌شوند. به‌طور مسلم تأمین نیازهای جمعیت

زیرا امکانات و نوآوری‌های فناورانه تنها هنگامی می‌تواند در نظام آموزشی مؤثر واقع شود که پاسخگوی نیازهای واقعی آن جامعه باشد. تأکید بر محتوای فرهنگی آموزشی، زاده تغییر در نحوه نگرش به آموزش است که آن را فرایندی مستمر در حیات بشری می‌داند. این دیدگاه در شیوه برخورد با برنامه‌های آموزشی رادیو بازتاب داشته است و به این ترتیب، همه برنامه‌ها نیز عمومی هستند و رادیو در جوار برنامه‌های رسمی درسی می‌تواند برنامه‌هایی نیز به منظور ارتقای سطح دانش، مهارت‌ها و تقویت نگرش و احساس‌های عمومی تهیه و پخش کند؛ چرا که تأثیر رادیو بر افکار عمومی از دیگر رسانه‌ها وسیع‌تر و عمیق‌تر است. رادیو به سرعت می‌تواند طیف وسیعی از اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. این رسانه می‌تواند موانع زمانی و مکانی را برطرف سازد و امواج خود را به راحتی به دورافتاده‌ترین نقاط کشور ارسال کند. پیام این رسانه شنیداری است و برای دریافت آن، پیام‌گیر نیازی به

**یونسکو و رادیو**

یونسکو چهار ویژگی عمده برای برنامه‌های آموزشی رادیو قائل شده است که عبارت‌اند از:

- برنامه‌ها به صورت مجموعه متوالی است تا به یادگیری تزییدی کمک کنند.  
- طراحی و برنامه‌ریزی آنها مشخصاً با کمک مشاوران آموزشی صورت می‌گیرد.  
- این برنامه‌ها معمولاً با دیگر مواد آموزشی همچون متون درسی و راهنمای مطالعاتی همراه‌اند.  
- استفاده از این برنامه‌ها توسط معلم و شاگرد به نوعی ارزیابی می‌شود.

رادیو می‌تواند در کنار برنامه‌های درسی، برنامه‌هایی نیز برای ارتقای سطح دانستنی‌ها و معلومات عمومی و اعتلای سطح دانش فنی و مهارت قشرهای معینی از جامعه و تشویق ذوق هنری آنها تهیه و پخش کند که همان نقش و رسالت فرهنگی این رسانه است.

رادیوی آموزشی، امروزه شامل هر دو بخش درسی و فرهنگی است. عموم مردم را چه در قالب برنامه‌های درسی و چه به صورت برنامه‌های سرگرم‌کننده در نظر دارد و آموزش می‌دهد و به اعتبار همین هدف اصلی‌اش آموزش از رادیو متمایز می‌شود.

استفاده از رادیو در امر آموزش، در هر جامعه‌ای به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، مستلزم پژوهش‌های بنیادی و اجرای برنامه‌های خاصی است؛

رادیو به سرعت می‌تواند  
طیف وسیعی از اعضای  
جامعه را تحت تأثیر  
قرار دهد. این رسانه  
می‌تواند موانع زمانی و  
مکانی را برطرف سازد  
و امواج خود را به راحتی  
به دورافتاده‌ترین نقاط  
کشور ارسال کند.

شهری با حجم بزرگ و رو به رشد، می‌تواند موجبات استفاده بیش از توان تحمل سرزمینی و تخریب محیط زیست را در ابعاد مختلف آن به همراه داشته باشد.

**سطح باروری:** از جمله عوامل تأثیرگذار در کاهش سطح باروری ایران، اجرای سیاست‌های تنظیم خانواده توسط دولت، تأثیرات رسانه‌های گروهی، افزایش سطح سواد و تحصیلات در کشور به‌ویژه برای بانوان، بالارفتن سن ازدواج، گسترش شهرنشینی، شوک اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی در اثر تورم اقتصادی و بالاخره تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به تعداد فرزند و در مقابل اهمیت یافتن بعد کیفی تعلیم و پرورش اولاد در سال‌های اخیر است.

**مرگ و میر:** بخش اعظمی از کاهش مرگ و میر متأثر از توسعه اقتصادی-اجتماعی، گسترش و پیشرفت خدمات بهداشتی و درمانی و اعمال طرح‌های مراقبت بهداشتی همچون واکسیناسیون بوده است. در این راستا رسانه‌های گروهی از جمله رادیو می‌توانند از طریق بالابردن آگاهی‌های بهداشتی افراد جامعه نقش مؤثری در کاهش سطح مرگ و میر ناشی از بی‌اطلاعی ایفا کنند؛ مانند آموزش انواع روش‌های پیشگیری از ایست قلبی و... همچنین این رسانه می‌تواند نقشی بسزا در افزایش اطلاعات شهروندان در خصوص بیماری‌هایی مانند ایدز و هیپاتیت داشته باشد.

آموزشی رادیو نسبتاً کم و تا ده برابر ارزان‌تر از برنامه‌های تلویزیونی است و این برنامه‌ها که با کتاب‌ها و جزوه‌های مربوط همراه می‌شوند، یکی از راه‌های مناسب گسترش سواد، دانش اجتماعی و مهارت‌های حرفه‌ای در مناطق دورافتاده غیرشهری به‌شمار می‌روند. رادیو در میان رسانه‌های جمعی، از لحاظ آموزش غیررسمی، جایگاهی ویژه دارد. در نتیجه رادیو می‌تواند نقش مؤثری در تدوین و اجرای سیاست‌های جمعیتی داشته باشد.

**منابع و مآخذ**

ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵). **جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران**. تهران: اطلاعات.

عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۱). «همگرایی رفتارهای باروری در ایران. میزان روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۵». **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۸.

کاظمی‌پور، شهلا؛ آرزو صیادی (۱۳۸۸). روند توسعه کلان‌شهرها در ایران و آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن. **کتاب جمعیت و توسعه**، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

مشفق (م) و مطیع حقی‌شناس (ن). «تغییر ساختار سنی جمعیت ایران و ابعاد اقتصادی و اجتماعی پنجره جمعیتی آن»، پروژه مشترک صندوق جمعیت سازمان ملل در ایران و دانشگاه تهران. میرزایی، محمد؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵). «گزارش کشوری جمعیت و توسعه در ایران». تهران: انجمن جمعیت‌شناسی ایران.

**نتیجه‌گیری**

رادیو به‌عنوان رسانه‌ای همگانی، امروزه یکی از ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین رسانه‌هاست که خصوصاً در نقاط دورافتاده می‌تواند به‌عنوان یک وسیله آموزشی مناسب مورد استفاده قرار گیرد. در اکثر کشورهای یک ایستگاه یا فرستنده رادیویی به‌نام رادیوی آموزشی، تمام ساعات کار خود را به پخش برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی اختصاص می‌دهد و معلمان با هماهنگی قبلی از این برنامه‌ها می‌توانند استفاده کنند. علاوه بر رادیوی آموزشی، برنامه‌های رادیوی همگانی نیز در برخی موارد می‌توانند به‌عنوان یک منبع آموزشی، مورد استفاده معلمان و شاگردان قرار گیرند. اطلاعات علمی، بهداشتی، اجتماعی، هنری و زیست محیطی، از جمله مطالبی هستند که بخش مهمی از برنامه‌های رادیویی را تشکیل می‌دهند. اغلب مزایای رسانه‌های شنیداری در مورد رادیو و برنامه‌های رادیویی صادق هستند. ازجمله اینکه هزینه تولید برنامه‌های